منشور اسلامی جهانی اخلاق طبابت و صحت

پوهنتون طبی کابل

کابل

1394

**متون عربی و انگلیسی از آدرس های ذیل قابل دسترس است :**

**متن عربي** : الميثاق الإسلامي العالمي للأخلاقيات الطبية والصحية

[**http://hrlibrary.umn.edu/arabic/Islamic-Code-Ethics-Cover-2004.html**](http://hrlibrary.umn.edu/arabic/Islamic-Code-Ethics-Cover-2004.html)

<http://applications.emro.who.int/docs/EM_rc52_r10_ar.pdf>

The Islamic Charter of Medical and Health Ethics**متن انگلیسی :**

http://islamset.net/ioms/code2004/Islamic\_code.html

**فهرست**

**عنوان** ................. .....................................................**صفحه**

فصل اول اخلاق طبیب........................................................... 1

فصل دوم مکلفیت های طبیب در قبال مریض ......................................3

فصل سوم اسرار طبی ...........................................................23

فصل چهارم مکلفیت های طبیب در قبال جامعه..................... ...........29

فصل پنجم مسایل اجتماعی.................................................... 32

فصل ششم تبلیغات ور سانه ها .................................................40

فصل هفتم مکلفیت های طبیب درمحل کار شان.................................. 42

فصل هشتم رابطه به همکاران.................................................... 44

فصل نهم حقوق طبیب ........................................................ 48

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيم

منشور اسلامی جهانی اخلاق طبابت و صحت

فصل اول اخلاق طبیب

**ماده اول**

بر طبیب لازم است که در کار خود صادق بوده وآراسته به مکارم اخلاق باشد، به استادان خود احترام نماید و از کتمان علم خود داری نماید، از سعی و تلاش دیگران قدر دانی کرده ودر مورد آن خود را به نادانی نزند.

همین طور بر وی لازم و حتمی است که در رعایت صحت خود، حق جسم خویش و شکل ظاهری خود بطور عموم به دیگران الگو و سر مشق باشد، و از همه چیز هاییکه سبب بی احترامی مسلک در داخل ویا خارج از محل وظیفه میگردد جداً اجتناب نماید.

**شواهد و مدارک اسلامی**

**الف . آیات القرآن الکریم**

1. وَإِنَّكَ لَعَلى خُلُقٍ عَظِيمٍ ﴿القلم . آیة ۴﴾ و راستى كه تو را خويى والاست .
2. خُذِ الْعَفْوَ وَ أْمُرْ بِالْعُرْفِ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْجاهِلینَ ﴿الأعراف . آیه 199﴾ (به هر حال) با آنها مدارا کن و عذرشان را بپذیر، و به نیکى ها دعوت نما، و از جاهلان روى بگردان.
3. وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿الشورا . آیة 38﴾ و كسانى كه [نداى] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا كرده‏اند و كارشان در ميان شان مشورت است و از آنچه روزيشان داده‏ايم انفاق مى‏كنند .

**ب . احادیث شریف :**

1. « لاَ يَدْخُلُ النَّارَ أَحَدٌ فِى قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةِ خَرْدَلٍ مِنْ إِيمَانٍ وَلاَ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ أَحَدٌ فِى قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّةِ خَرْدَلٍ مِنْ كِبْرِيَاءَ » رواه مسلم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم: به جهنم داخل نمیشود کسیکه در قلب او به اندازه دانه خشخاش ایمان باشد وبه جنت داخل نمی شود کسیکه در قلب او به اندازۀ دانه خشخاش کبر باشد.
2. عَنْ أَنَسٍ : أَنَّ النَّبِىَّ -صلى الله عليه وسلم- دَخَلَ عَلَى شَابٍّ وَهُوَ فِى الْمَوْتِ فَقَالَ : «كَيْفَ تَجِدُكَ ». قَالَ : أَرْجُو اللَّهَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَأَخَافُ ذُنُوبِى. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- : « لاَ يَجْتَمِعَانِ فِى قَلْبِ عَبْدٍ فِى مِثْلِ هَذَا الْمَوْطِنِ إِلاَّ أَعْطَاهُ اللَّهُ مَا يَرْجُو وَآمَنَهُ مِمَّا يَخَافُ » . رواه الـــــــــــــــــترمذی. حدیـــــــــــــــــث حسن. به این مفــــــــــــــــــــــهوم کــــــــــــــــــــه پیامبر صلی الله علیه وسلم به عیادت جوانی رفت که در آستانه مرگ قرار داشت ، از وی پرسید که خود را چگونه می یابی؟ ، جوان گفت ای رسول الله برحمت الله امیدوارم و از گناهانم خوف دارم، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود( به این مفهوم) هرگاه این دو صفت در چنین حالتی در قلب بنده جمع شود، الله برایش چیزی را میدهد که امیدوار آن است و او را از چیزیکه از آن هراس دارد ، در امن قرار می دهد.

فصل دوم

مکلفیت های طبیب در قبال مریض

**ماده دوم**

بر طبیب لازم است که به شکایت مریض بدقت گوش داده ودر تخفیف رنج وآلام با وی همدردی نماید. رویه بسیار خوب و نیک را با مریض انجام داده و در هنگام مواجه شدن همرای مریض از نرمی وشفقت کار گیرد.

جواز ندارد که خود را نسبت به مریض برتر شمارد یا اینکه به نظر حقارت به او نگاه نماید و یا اینکه او را به مسخره بگیرد ولو سویه علمی ویا موقعیت اجتماعی مریض درهر سطحی قرار داشته باشد یا به هر رشته ای که منسوب باشد. بر طبیب لازم است که به رأی ونظر مریض توجه نماید، بویژه در مورد امور شخصی او، ولی در عین زمان درصورت ضرورت از ارائه مشوره لازم به مریض اباء نورزد.

**ماده سوم**

بر طبیب لازم است که در سلوک و رویه خود با مریضان میان عدالت را رعایت نموده و به آن پابند باشد . از بی عدالتی در رعایت امور طبی، از سبب احساسات و تمایلات شخصی ، دین، جنسیت و ملیت مریضان خود داری نماید.

**ماده چهارم**

بر طبیب لازم است که در مورد مریضان خود از الله متعال هراس داشته باشد، عقیده، دین وعادات مریض را هنگام معاینه نمودن، تشخیص، وعلاج در نظر داشته باشد، و پا فشاری نماید که مرتکب هیچ نوع عمل خلاف شرع از قبیل خلوت با شخص غیر همجنس (نا محرم) یا کشف عورت مریض جز به قدر ضرورت که معاینه نمودن، تشخیص یا علاج تقاضای آنرا مینماید، نشود وآن هم در صورت ضرورت شرعی و بعد از اجازه مریض و بودن شخص ثالث.

**شواهد و مدارک اسلامی**

**الف . القرآن الکریم**

1. إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَن يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ﴿الأحزاب . آیة 72 ﴾ ما امانت [الهى و بار تكليف] را بر آسمانها و زمين و كوهها عرضه كرديم پس از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناك شدند و انسان آن را برداشت راستى او ستمگرى نادان بود .
2. إِنَّ اللّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تُؤدُّواْ الأَمَانَاتِ إِلَى أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُم بَيْنَ النَّاسِ أَن تَحْكُمُواْ بِالْعَدْلِ إِنَّ اللّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُم بِهِ إِنَّ اللّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ﴿النساء . آیة 58﴾ یقیناً الله به شما فرمان مى‏دهد كه امانات (سپرده‏ها) را به صاحبان آنها رد كنيد و چون ميان مردم داورى مى‏كنيد به عدالت داورى كنيد در حقيقت نيكو چيزى است كه الله شما را به آن پند مى‏دهد الله شنواى بيناست.

**ب . احادیث شریف**

1. « إِنَّ مِنْ أَشَرِّ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْزِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ الرَّجُلَ يُفْضِى إِلَى امْرَأَتِهِ وَتُفْضِى إِلَيْهِ ثُمَّ يَنْشُرُ سِرَّهَا ». رواه مسلم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم: بدترین انسانها روزقیامت نزد الله متعال کسی است که به خانمش رسید و خانمش به وی رسید (خلوت نمود) ، سپس راز او را فاش مینماید .
2. « الْمَجَالِسُ بِالأَمَانَةِ إِلاَّ ثَلاَثَةَ مَجَالِسَ سَفْكُ دَمٍ حَرَامٍ أَوْ فَرْجٌ حَرَامٌ أَوِ اقْتِطَاعُ مَالٍ بِغَيْرِ حَقٍّ ». مشکاة المصابیح . حسنه العسقلانی . رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم: مجالس مبتنی بر امانت اند ( تمام اعضای مجلس مکلف اند که راز مجلس را مثل امانت نگهداری نموده و آنرا فاش نکنند) بجز در سه مورد قتل ناحق، تجاوز جنسی و گرفتن مال دیگران به ناحق.

**ماده پنجم**

بر طبیب لازم است که همان معاینات طبی را که حالت مریض ایجاب مینماید انجام داده و از معاینات اضافی که حالات مریض ایجاب آنرا نمی نماید خود داری نماید. بر وی لازم است که تمام پروسه تشخیص و معالجه خود را با شفافیت اساس گذاری نموده واز استخدام شیوه های تشخیصیه یا تداوی غیر معتبر یا غیر معمولی ویا غیر رسمی جداً اجتناب نماید. همچنان بر وی لازم است که در تجویز دوا و انجام عملیاتهای جراحی به قدریکه حالت مریض آنرا ایجاب مینماید اکتفا ورزد.

**ماده ششم**

بر طبیب لازم است که به مریض ویا کسی راکه از وی نیابت مینماید درمورد نوع مرض، اسباب و اختلاط آن ، فایده اجرای معاینات تشخیصیه ومعالجه آن صادقانه توضیح دهد. و با در نظر گرفتن وضعیت جسمی و روانی مریضان، آنها را از بدیل مناسب در تشخیص وعلاج به شیوه مناسب، شفاف و روشن آگاهی کامل دهد .

**ماده هفتم**

طبیب مکلف است که در فرستادن مریض نزد طبیب دیگری که متخصص همان مرض است هیچ نوع تردد و کوتاهی نکرده و او را نزد همان طبیبی بفرستد که متخصص همان مرض می باشد، ویا طبیبی که نسبت به وی دارای وسایل و امکانات خوب پیشرفته، مجهز وفعال باشد البته با در نظر گرفتن حالت و وضعیت صحی مریض که ایجاب آنرا نماید.

همچنان در صورتیکه خود مریض علاقمند به رفتن ویا مشوره گرفتن نزد طبیب دیگر باشد مکلفیت طبیب است که او را نزد همان طبیبی بفرستد که مریض آنرا میخواهد. در صورتیکه فرستادن مریض به مصلحت مریض باشدجواز ندارد که طبیب در پروسه فرستادن مریض بطی عمل نماید، همچنان طبیب مکلف است که تمام معلومات مندرجه دوسیه مریض را که می داند برای مریض جهت تداوی و علاج لازمی است تقدیم نموده و برای مریض یک گزارش طبی (medical report) کامل که بیانگر وضعیت صحی او می باشد بدهد.

**ماده هشتم**

بعد از اخذ موافقه طبیب معالج، مریض و یا خانواده او حق دارند که طبیب دیگری را جهت مشوره دعوت نمایند( و از نطریات او مستفید شوند) اما زمانیکه مریض ویا خانواده او بدون موافقه طبیب معالج ، به دعوت طبیب دیگری که طبیب معالج به آن موافق نیست، اصرار نماید، طیبیب معالج میتواند که به علاج مریض ادامه ندهد.

**ماده نهم**

در هیچ حالتی جواز ندارد که طبیب از تداوی مریض خود داری نماید و لو در حالات و اوضاع غیر عادی بجز در صورتیکه مریض تعلیمات تعیین شده از طرف طبیب معالج را رد نماید، یا اینکه بدون موافقه طبیب معالج خود از طبیب دیگر کمک بخواهد و یا زمانیکه وضعیت مریض از حیطه اختصاص او خارج باشد.

**ماده دهم**

در حالات اضطراری وعاجل طبیب مکلف است که به علاج مریض تا زمانی ادامه دهد که ضرورت مریض رفع گردد یا اینکه تحت مراقبت طبیب مماثل منتقل گردد.

**شواهد و مدارک اسلامی**

**الف . القرآن الکریم**

1. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿ الحج . آیة 77. الآیة ﴾ اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد ركوع و سجود كنيد و پروردگارتان را عبادت نمایید و كار خوب انجام دهيد باشد كه رستگار شويد.
2. وَلاَ تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْؤُولًا ﴿الاسراء . آیة 36﴾ و چيزى را كه بدان علم ندارى دنبال مكن زيرا گوش و چشم و قلب همه مورد پرسش واقع خواهند شد .
3. كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُم مِّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿آل عمران . آیة 110﴾ شما بهترين امتى هستيد كه براى مردم پديدار شده‏ايد به كار پسنديده فرمان مى‏دهيد و از كار ناپسند بازمى‏داريد و به الله ايمان داريد و اگر اهل كتاب ايمان آورده بودند قطعاً برايشان بهتر بود برخى از آنان مؤمنند و بيشترشان نافرمانند
4. آیة 72سورة الأحزاب در فوق ذکرشد.

**ب . احادیث شریف**

1. « الدِّينَ النَّصِيحَةُ. » رواه مسلم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم که یقیناً دین نصیحت است.
2. « مَنْ سُئِلَ عَنْ عِلْمٍ عَلِمَهُ ثُمَّ كَتَمَهُ أُلْجِمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِلِجَامٍ مِنْ نَارٍ ». رواه احمد و ابوداود و الترمذی. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم: کسیکه در مورد علمی از وی پرسیده شود و حال آنکه او آنرا میداند، سپس آنرا پنهان نماید در روز قیامت با لجام آتشین قیزه میشود.
3. «الإِمَامُ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ ،» رواه اللبخاری. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم: امام (آمر) عهده دار و مسؤل زیر دستان خود می باشد.
4. «خیر الناس أنفعهم للناس ». صحیح الجامع. حدیث حسن. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم: بهترین مردم نافع ترین آنها برای مردم است .

**ماده یازدهم**

مریضانیکه به امراض صعب العلاج و یا امراض کشنده مصاب اند بر طبیب لازم است که تداوی آنها را ادامه داده و از تقدیم خدمات طبی دریغ نورزد. با مریضان همدردی نموده و تا آخرین رمق حیات برای ایشان در امید را باز بگذارد.

**ماده دوازدهم**

طبیب مکلف است که رنج و آلام مریض را با وسایل ممکنه وقایوی، علاجی، مادی و معنوی که در اختیار دار تخفیف دهد ومریض را بفهماند که طبیب متوجه صحتش است وهمچنان مکلف است که از مهارتهای خود در آرامش مریض و تخفیف مرض کار گیرد.

**شواهد و مدارک اسلامی**

**الف. القرآن الکریم**

1- لَقَدْ جَاءكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿ التوبة. آیة 128﴾. قطعاً براى شما پيامبرى از خودتان آمد كه بر او دشوار است‏ شما در رنج بيفتيد به [هدايت] شما حريص و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است.

2- فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِن تَوَلَّيْتُمْ أَن تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ ﴿ محمد. آیة 22﴾ پس [اى منافقان] آيا اميد بستيد كه چون [از الله ] برگشتيد [يا سرپرست مردم شديد] در [روى] زمين فساد كنيد و خويشاونديهاى خود را از هم بگسليد (22)

3- وَقُل رَّبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿المؤمنون . آیة 118 ﴾. و بگو پروردگارا ببخشاى و رحمت كن [كه] تو بهترين بخشايندگانى

۴- وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُل رَّبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿ الاسراء. آیة 24﴾

و از سر مهربانى بال فروتنى بر آنان بگستر و بگو پروردگارا آن دو را رحمت كن چنانكه مرا در خُردى پروردند

**ب احادیث شریف**

1. « تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِى تَرَاحُمِهِمْ وَتَوَادِّهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى عُضْوًا تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ جَسَدِهِ بِالسَّهَرِ وَالْحُمَّى » . رواه االبخاری. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم: مؤمنان را میبینی که در مهربانی، محبت وشفقت خود مانند یک جسد اند هرگاه عضوی از آن به درد آید دیگر اعضا بواسطه بی خوابی و تب با همدیگر همدردی می کنند .
2. « حَقُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ سِتٌّ ». قِيلَ مَا هُنَّ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ « إِذَا لَقِيتَهُ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ وَإِذَا دَعَاكَ فَأَجِبْهُ وَإِذَا اسْتَنْصَحَكَ فَانْصَحْ لَهُ وَإِذَا عَطَسَ فَحَمِدَ اللَّهَ فَسَمِّتْهُ وَإِذَا مَرِضَ فَعُدْهُ وَإِذَا مَاتَ فَاتَّبِعْهُ ». رواه مسلم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم: مسلمان بر مسلمان دیگر شش حق دارد. پرسیده شدکه: ای رسول الله آنها کدام اند؟ فرمود: زمانیکه همرایش رو برو شدی برایش سلام تقدیم کن و زمانیکه تو را دعوت نمود آنرا قبول کن، و زمانیکه از تو خواهان نصیحت شد برایش نصیحت کن، و زمانیکه عطسه زد و (الحمد لله) گفت برایش ( یَرحَمُک َالله) بگو، و زمانیکه مریض شد او را عیادت کن و اگر وفات نمود در جنازۀ او اشتراک کن.

**ماده سیزدهم**

طبیب مکلف است که مریض را در مورد مرضش بطور خاص ودر مورد صحتش بطور عام آگاهی دهد، ونیز در مورد حفظ الصحه و تدابیر وقایوی به شیوه مطلوب و مؤثر معلومات دهد. این آگاهی بشکل مستقیم و یا هم از طریق سایر وسایل موجوده صورت گرفته می تواند.

**شواهد و مدارک اسلامی**

**الف. القرآن الکریم**

1. كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَّهُم مِّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ ﴿ آل عمران . آیة 110﴾ شما بهترين امتى هستيد كه براى مردم پديدار شده‏ايد به كار پسنديده فرمان مى‏دهيد و از كار ناپسند باز مى‏داريد و به خدا ايمان داريد و اگر اهل كتاب ايمان آورده بودند قطعاً براي شان بهتر بود برخى از آنان مؤمنند [ولى] بيشترشان نافرمانند .
2. وَمَا أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلاَّ رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَاسْأَلُواْ أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لاَ تَعْلَمُونَ . بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ﴿ النحل. آیة 43 و 44 ﴾ و پيش از تو [هم] جز مردانى كه به ایشان وحى مى‏كرديم گسيل نداشتيم پس اگر نمى‏دانيد از پژوهندگان كتابهاى آسمانى جويا شويد . [زيرا آنان را] با دلايل آشكار و نوشته‏ها [فرستاديم] و اين قرآن را به سوى تو فرود آورديم تا براى مردم آنچه را به سوى ايشان نازل شده است توضيح دهى و اميد كه آنان بينديشند.
3. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ اتَّقُواْ اللّهَ وَكُونُواْ مَعَ الصَّادِقِينَ ﴿ التوبه. آیة 119﴾ اى كسانى كه ايمان آورده‌ايد، از (مخالفت فرمان ) الله بپرهیزید و با راستگويان باشيد

**ب . احادیث شریف**

1. «الدِّينُ النَّصِيحَةُ » قُلْنَا لِمَنْ قَالَ « لِلَّهِ وَلِكِتَابِهِ وَلِرَسُولِهِ وَلأَئِمَّةِ الْمُسْلِمِينَ وَعَامَّتِهِمْ». رواه مسلم . رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است این مفهوم: دین (سراسر) نصیحت است، پرسیدیم برای چه کسی؟ فرمود: برای الله، کتاب او،پیامبرش وبرای زعمای مسلمین وعموم آنها.
2. « عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ فَإِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِى إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ يَهْدِى إِلَى الْجَنَّةِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَصْدُقُ وَيَتَحَرَّى الصِّدْقَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ صِدِّيقًا وَإِيَّاكُمْ وَالْكَذِبَ فَإِنَّ الْكَذِبَ يَهْدِى إِلَى الْفُجُورِ وَإِنَّ الْفُجُورَ يَهْدِى إِلَى النَّارِ وَمَا يَزَالُ الرَّجُلُ يَكْذِبُ وَيَتَحَرَّى الْكَذِبَ حَتَّى يُكْتَبَ عِنْدَ اللَّهِ كَذَّابًا » رواه الترمذی . حدیث حسن صحیح.رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم: شما به صداقت مکلف هستید زیرا راست گفتن وصداقت (انسان را) به نیکی رهنمائی میکند و نیکی( انسان را) به جنت میبرد. شخصیکه به صداقت خود ادامه میدهد ودر جستجوی صدق باشد نزد الله متعال در (زمرۀ صدیقین) صدیق ثبت می شود. شما از دروغ اجتناب ورزید زیرا دروغ (انسان را) به بدی رهنمائی می کند و بدی( انسان را) به جهنم میبرد. شخصیکه به دروغ خود ادامه دهد ودر جستجوی آن باشد، نزد الله متعال در (زمرۀ دروغ گویان) کذّاب ثبت می شود.
3. حدیثی که بیانگر آنست که حق مسلم بر مسلم شش است . بتفصیل قبلاً ذکر شد.

**ماده چهاردهم**

بدون رضایت مریض معالجه او جواز ندارد بجز در حالت که در عین زمان هم وضعیت مریض ایجاب مداخله طبی را نماید وهم گرفتن موافقه مریض امکان پذیر نباشد یا اینکه مرض او صحت دیگران را تهدید نماید و یا اینکه دیگران را به آن مبتلا نماید البته مداخله طبی طبق قوانین اسلامی صورت میگرد.

در صورت که اهلیت مریض کامل باشد موافقه به اساس رضایت صریح ویا ضمنی وی ویا اساس موافقه کسیکه از او به شکل قانونی نیابت می نماید، حاصل می گردد. در صورت که خود مریض از ابراز موافقه ناتوان باشد یا فاقد شنوایی یا فاقد شرطی از شروط اهلیت باشد حتمی است که موافقه به شکل کتبی، روشن و واضح بوده و مبتنی به معرفی عملیات و مداخلات جراحی باشد .

**شواهد و مدارک اسلامی**

**الف. القرآن الکریم**

1. وَكُلَّ إِنسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَآئِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا ﴿الاسراء . آیة 13 ﴾و كارنامه هر انسانى را به گردن او بسته‏ايم و روز قيامت براى او نامه‏اى كه آن را گشاده مى‏بيند بيرون مى‏آوريم.
2. فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنتَ مُذَكِّرٌ . لَّسْتَ عَلَيْهِم بِمُصَيْطِرٍ ﴿ الغاشیه . آیة 21 و 22 ﴾ پس تذكر ده كه تو تنها تذكردهنده‏اى . بر آنان تسلطى ندارى.
3. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ لاَ تَأْكُلُواْ أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلاَّ أَن تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنكُمْ وَلاَ تَقْتُلُواْ أَنفُسَكُمْ إِنَّ اللّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا ﴿ النساء. آیة 29﴾ اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد اموال همديگر را به ناروا مخوريد مگر آنكه داد و ستدى با تراضى يكديگر از شما [انجام گرفته] باشد و خودتان را مكشيد زيرا الله همواره با شما مهربان است .

**ب . احادیث شریف**

1. « لاَ تُكْرِهُوا مَرْضَاكُمْ عَلَى الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ فَإِنَّ اللَّهَ يُطْعِمُهُمْ وَيَسْقِيهِمْ ».رواه ابن ماجه. حدیث حسن. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم: مریضان خود را بر خوردن و نوشیدن وادار(اکراه) نکنید زیرا که الله متعال آنهارا میخوراند ومینوشاند.
2. « لا يَحِلُّ لِامْرِئٍ مِنْ مَالِ أَخِيهِ شَيْءٌ إِلا بِطِيبِ نَفْسِهِ مِنْهُ ». رواه أحمد قال العيني إسناده حسن جيد رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم: حلال نیست ( گرفتن و خوردن) مال مسلمان بجز در صورت رضایت او (که از صمیم قلب باشد).
3. درحدیث که بیانگر شش حق مسلمان بر مسلمان است و قبلاً مفصل ذکر شد، رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند به این مفهوم : و زمانیکه از تو خوا هان نصیحت شد برایش نصیحت کن.

**ماده پانزدهم**

طبیب در سعی وتلاش خود در قسمت طرح پلان تداوی مناسب به حالت مریض امین بوده مکلفیت دارد که قبل از انتخاب و تطبیق پلان تداوی از مؤثریت آن خود را متیقن نماید. در صورت که مریض خواهان تطبیق کدام پلان تداوی غیر مؤثر باشد، بر طبیب است که مریض را از عدم مؤثریت آن قناعت دهد.

**ماده شانزدهم**

با رعایت ماده (4) این منشور طبیب مکلف است که در زمان معاینه نمودن مراتب ذیل را اجرا نمایند .

الف: ثبت و راجستر وضعیت صحی مریض، تاریخچه مرض، نوعیت مرض، سابقه مرض مریض و یا خانواده .

ب: پابند بودن در دقت و انجام دادن درست معاینه طبی و اختصاص وقت مناسب برای آن .

ج: تحریر نسخه بشکل واضح با مشخص نمودن مقدار و طریقه استعمال آن . مریض یا خویشاوندان وی را حسب ضرورت در مورد اهمیت دساتیر طبیب و عوارض جانبی مهم و متوقع عملیات جراحی و تداوی طبی آگاهی دهد .

**شواهد و مدارک اسلامی**

**الف . القرآن الکریم**

1. لَقَدْ جَاءكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿التوبة 128﴾ قطعاً براى شما پيامبرى از خودتان آمد كه بر او دشوار است‏شما در رنج بيفتيد به [هدايت] شما حريص و نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است .
2. فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِن تَوَلَّيْتُمْ أَن تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتُقَطِّعُوا أَرْحَامَكُمْ ﴿ محمد. آیة 22 ﴾أُوْلَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعْمَى أَبْصَارَهُمْ ﴿ محمد. آیة 23﴾ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ﴿ محمد. آیة 24 ﴾ پس [اى منافقان] آيا اميد بستيد كه چون [از الله] برگشتيد [يا سرپرست مردم شديد] در [روى] زمين فساد كنيد و خويشاونديهاى خود را از هم بگسليد (22) اينان همان كسانند كه الله آنان را لعنت نموده و [گوش دل] ايشان را ناشنوا و چشمهايشان را نابينا كرده است (23آيا به آيات قرآن نمى‏انديشند يا [مگر] بر دلهايشان قفلهايى نهاده شده است .
3. وَقُل رَّبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿ المومنون. آیة 118﴾ و بگو پروردگارا ببخشاى و رحمت كن [كه] تو بهترين بخشايندگانى
4. وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُل رَّبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿ الاسراء 24 ﴾ و از سر مهربانى بال فروتنى بر آنان بگستر و بگو پروردگارا آن دو را رحمت كن چنانكه مرا در خُردى پروردند

**ب . احادیث شریف**

1. حدیث بخاری. در مورد اینکه مؤمنان در مهربانی، محبت وشفقت خود مانند یک جسم اند . حدیث به تفصیل در فوق ذکر شد.
2. حدیث که بیانگر شش حق مسلم بر مسلم است ، ذکر مفصلش قبلاً گذشت.

**ماده هفدهم**

بر طبیب لازم است که جهت انجام عملیات جراحی شروط ذیل را فراهم نماید :

الف: طبیب که عملیات جراحی را انجام میدهد باید که در رشته مربوطه خود از نگاه تخصص علمی، و نوعیت عملیات جراحی دارای سند معتبر طبی بوده باشد .

ب: عملیات را در یک موسسه معالجوی یا در جای انجام دهد که کاملاً صحی بوده و برای عملیات جراحی مذکور تهیه و آماده شده باشد .

ج: معاینات فزیکی، لابراتواری ، و درصورت ضرورت اکسری را (قبل از عملیات) انجام دهد تا متیقن شود که عملیات جراحی برای علاج مریض ضروری و مناسب میباشد ، و همچنان متحقق شود که وضعیت صحی مریض اجازه چنین عملیات جراحی را میدهد .

د: طبیب جراح که مسئول عملیات جراحی است خودش بالفعل به اجرای عملیات بپردازد ولی جواز دارد که جراحی دیگری که داخل شفاخانه موظف است یا دیگر جراحان او را کمک کند ولو که موافقه مریض در آن مورد اخذ نشده باشد . همین طور جواز دارد که طبیب برخی امور جراحی مریض را به همکار خود بسپارد به شرط اینکه تحت مراقبت و همکاری خود او صورت گیرد.

**شواهد و اسناد اسلامی**

**الف . القرآن الکریم**

1. آیة 72 سوره الاحزاب که قبلاً ذکر شد
2. آیة 58 سوره النساء که قبلاً ذکر شد
3. وَلاَ يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللّهُ فَلْيَكْتُبْ﴿ البقرة . آیة 282. الآیة﴾ و سرباز نزند نويسنده، از آن كه نويسد چنانكه آموخته است او را الله ، پس بايد كه وى بنويسد

**احادیث شریف**

1. أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- قَالَ « مَنْ تَطَبَّبَ وَلاَ يُعْلَمُ مِنْهُ طِبٌّ فَهُوَ ضَامِنٌ ». راوه ابوداود . حدیث حسن . رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم: کسیکه طبابت نماید و از وی علم طب معلوم نشود او ضامن ( مسئول) است.
2. « فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ بَيْنَكُمْ حَرَامٌ » رواه البخاری . رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:پس بی تردید خونها، مالها، آبرو و عزت تان بر یکدیگر تان حرام است .
3. « اتَّقُوا الظُّلْمَ فَإِنَّهَا الظُّلُمَاتُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ». رواه مسلم. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم: از ظلم نمودن اجتناب ورزید زیرا ظلم نمودن تاریکی ها است در روز قیامت.

**ماده هژدهم**

مریض (در صورت که توانایی اخذ معلومات را داشته باشد)باید در مورد وضعیت صحی اش و بدیل های تداوی آگاهی حاصل نماید. طبیب نباید تداوی را جبراً به مریض بقبولاند و همچنان نباید بدون رضایتش امضایش را در دوسیه طبی اخذ نماید.

**ماده نزدهم**

در صورت که مریض نخواهد معالجه شود ، طبیب مکلف است که از عواقب این عمل، مریض را بدون مبالغه آگاهی لازم دهد همین طور طبیب مکلف است که گفته های مریض را ثبت نماید و اقرارش را بگیرد که او خودش نمی خواهد معالجه شود . طبیب مربوط و یک نرس از جمله هیئت باشد که دوسیه مریض را امضا نمایند تا مسولیت طبیب مرفوع گردد.

**شواهد و مدارک اسلامی**

**الف . القرآن الکریم**

1. آیة 13 سوره الاسراء . قبلاً ذکر شد
2. آیه های 21 و 22 سوره الغاشیه . قبلاً ذکر شد.
3. آیة 29 سوره النساء. قبلاً ذکر شد .

**ب . احادیث شریف**

* حدیث حرام بودن خونها، مالها و آبرو و عزت مسلمانان . قبلاً ذکر شد.
* حدیث منع وادار نمودن (اکراه) مریضان به خوردن ونوشیدن . قبلاً ذکر شد.
* « لاَ يَحِلُّ مَالُ امْرِئٍ مُسْلِمٍ إِلاَّ بِطِيبِ نَفْسِهِ ». رواه أحمد قال العيني إسناده حسن جيد رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم: حلال نیست ( گرفتن و خوردن) مال مسلمان بجز در صورت رضایت او (که از صمیم قلب باشد).

**ماده بیستم**

در صورتیکه طبیب مریض را در کدام موسسه صحی دیگری که خودش در آن شریک است، ارجاع کند مکلف است که موارد ذیل را رعایت نماید :

الف: موسسه مذکور باید خدمات متفاوت عالی را تقدیم نماید که از حیث کیفیت و نوعیت کمتر از دیگران نباشد .

ب: مریض به موسسه صحی دیگر هنگامی ارجاع شود که ضرورت به آن دیده شود و نزد طبیب اولی امکانات معالجوی خوبتر که وضعیت مریض ایجاب می نماید، موجود نباشد . نباید مریض در موسسه صحی مذکور بیشتر از وقت مطلوب باقی بماند .

در تمام اوضاع و احوال باید که طبیب حق آزادی انتخاب نمودن را به مریض بدهد .

**شواهد و مدارک اسلامی**

**قواعد فقهی**

1. ( یحتمل الضرر الخاص لدفع ضرر عام) برای دفع ضرر عام ،ضرر خاص تحمل می شود. ( الضرر الأشد یزال بالضرر الأخف.). ضرر شدید با ضرر خفیف دفع می شود.
2. (درء المفاسد أولی من جلب المنافع ) دفع ضرر نسبت به رسانیدن منفعت اولویت دارد.
3. (الأمور بمقاصد ها) . کار ها متعلق به مقاصد آنها اند.

**ماده بیست یکم**

زمانیکه علاج مریض در موسسه صحی آغاز میگردد جواز ندارد که مریض از آن اخراج گردد جز در صورتیکه وضعیت مریض آنرا ایجاب نماید یا اینکه خود مریض به آن علاقمند باشد اما باید که به مریض از عواقب خارج شدن از آنجا آگاهی داده شود و اقرار مریض یا اقارب او بشکل کتبی گرفته شود که به رضایت خودش شفاخانه را ترک نموده است .گرفتن اقرار کتبی اقارب زمانی صورت میگیرد که مریض غیر قابل اهلیت باشد. ثبت اقرار ضمیمه دوسیه مریض میگردد.

**شواهد و مدارک اسلامی**

**الف . القرآن الکریم**

1. آیة 72سورة الأحزاب در فوق ذکرشد.
2. آیة 58 سوره النساء که قبلاً ذکر شد
3. وَلاَ يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللّهُ فَلْيَكْتُبْ﴿ البقرة . آیة 282. الآیة﴾ و سرباز نزند نويسنده، از آن كه نويسد چنانكه آموخته است او را الله ، پس بايد كه وى بنويسد.

**ب . احادیث شریف**

1. حدیث بیانگر مسؤل بودن کسیکه طبابت نماید درحالیکه از وی علم طب معلوم نشود. قبلاً ذکر شد.
2. حدیث بیانگر حرام بودن خونها، مالها، آبرو و عزت مسلمانان بریکدیگر. قبلاً ذکر شد.
3. حدیث بیانگر اینکه ظلم نمودن تاریکی ها است در روز قیامت. قبلاً ذکر شد.

**ماده بیست دوم**

به هیچ وجه جواز ندارد که طبیب حیات مریض را خاتمه دهد ولو که مریض، ولی و وصی او آن را مطالبه نمایند چه به سبب معیوبیت شدید باشد یا به سبب مرض صعب العلاج که شفای آن بسیار مشکل پنداشته شود و چه به سبب درد و آلام بسیاری شدید که آرام نمودن آن به وسایل مروجه ناممکن باشد . در تمامی موارد فوق جواز ندارد که طبیب به حیات مریض خاتمه دهد و باید که طبیب مریض را به صبر نمودن و اجر صابرین توصیه نماید.

**ماده بیست سوم**

طبیب مکلف است که با تمام اعضای تیم صحی که مصروف تقدیم خدمات صحی برای مریض اند، همکاری لازم نماید. زمانیکه از طبیب در مورد وضعیت صحی مریض و شیوه ای معالجه که آنرا بکار برده است، معلومات خواسته از تقدیم معلومات دریغ ننماید.

**ماده بیست چهارم**

طبیب مکلف است که قبل از سفر نمودن، مریض اش را از سفر وزمان غیابت خود در جریان بگذارد و اموری را که مریض در غیاب طبیب خود می تواند انجام دهد یا ندهد واقف گرداند. در تمامی موارد فوق لازم است که در زمان غیابتش، عوض خویش یک طبیب معالج دیگری را که تعهد بر استمرار معالجه را کند، معرفی نماید.

**ماده بیست پنجم**

هرگاه از طبیب خواسته شود که جهت معاینه مریضی که تحت علاج همکار او قرار دارد بیاید بر وی لازم است که به دستورات ذیل عمل نماید:

الف: دعوت جهت مشوره دادن در صورتیکه از طرف طبیب معالج پیشنهاد شده باشد را، بپذیرد ولو که دلیل آن برایش آشکار نشده باشد. بر طبیب مشوره دهنده لازم است که نتایج معاینه اش را برای طبیب اولی ارائه نماید

ب: با مریض اظهار همدردی نماید از اضطراب او بکاهد . درگفتن چیز هاییکه لازم است به مریض گفته شود و چیز های که صرف برای طبیب اولی اش گفته شود ،در گفتن آن باید از حکمت کار گیرد. از گفتن کلمات و اشارا تیکه به عزت و آبروی طبیب معالج همکار او صدمه وارد میکند و یا خدمات او را نا چیز جلوه میدهد، اجتناب نماید بویژه زمانیکه که بین طبیب دعوت شده و طبیب معالج اختلاف نظر بوجود بیاید.

ت: هرگاه مریض طبیب را جهت مشوره دعوت دهد باید طبیب مشوره دهنده قبل از رفتن نزد مریض خود را مطمئن نماید که آیا طبیب معالج به آن موافقه دارد یا نه ؟ آگاهی دارد یا نه.

ث ـ: هرگاه مریض مصمم شود که طبیب اول را ترک نماید لازم است تا طبیب دوم، طبیب معالج اول در جریان بگذارد.

ج: بعد از گرفتن مشوره از طبیب دوم(مشاور) طبیب معالج حق دارد که هنگام ضرورت از طبیب دیگری در عین تخصص یا غیر آن مشوره بگیرد.

**ماده بیست ششم**

طبیبی که مؤظف به تقدیم خدمات صحی به اشخاص تحت نظارت می باشد، مکلف به امور ذیل می باشد:

الف: عین خدمات صحی را که به سایر اشخاص انجام میدهد به افراد تحت نظارت نیز انجام دهد.

ب: هیچ نوع عملی را انجام ندهد که نمایانگر مشارکت او در شکنجه وغیره انواع رفتار های ظالمانه باشد یا بیانگر ترغیب، موافقه و یا سکوت او باشد خواه انجام دادن یک عمل مضر باشد و یا اباء ورزیدن از یک عمل مفید باشد.

ج: معلومات و مهارتهای خود را در خدمت کسانی قرار ندهد که اشخاص تحت نظارت را ذریعه آن مورد ظلم قرار دهد . از هر نوع مشارکت در ظلم بالای افراد تحت نظارت خود داری نماید.

د: هرگاه ملاحظه نماید که افراد تحت نظارت با بد رفتاری یا تحت ظلم قرار دارند مکلف است که آنرا به مسئولین امور ابلاغ نماید.

**ماده بیست هفتم**

دکتورانیکه مؤظف به تقدیم خدمات صحی برای افراد خورد سن میباشند مکلف اند که به اندازه توان خود آنها را در مورد مداخله طبی و اجراءات آن آگاهی دهند ( آنها را بفهمانند که این عمل یک امر عادی میباشد).

**ماده بیست هشتم**

زمانیکه طبیب عهده دار علاج طفل می شود ، و به نظرش چنین معلوم شود که خانواده و اقارب طفل مکلفیت خود را در قبال وضعیت صحی او درست انجام نداده اند، بر وی لازم است که مدافع مصلحت طفل باشد.

**ماده بیست نهم**

طبیبیکه معتادین را علاج مینماید مکلف است که با آنها با قاطعیت وحرص شدید عمل نموده در جستجوی بهترین شیوه علاج باشد. هیچ تفاوتی ندارد که این عمل در مؤسسات صحی ویژه معتادین انجام شود یا در کلنیک شخصی خود او ( درصورت فراهم بودن امکانات نزد وی ) .

فصل سوم

اسرار طبی

**ماده سی ام**

هرگاه طبیب راز مریض را از طریق تخصص ومسلک ، کشف نمود و یا در جریان کار خویش بر آن مطلع گردید، جواز ندارد آنرا افشا نماید (و لو که مریض از طبیب معالج خود تعهد آنرا هم نگرفته باشد) بجز در حالات ذیل و امثال آن:

الف: زمانیکه افشای راز مریض بنا به خواهش کتبی خودش صورت گرفته باشد و یا اینکه در افشان مودن آن مصلحت مریض در نظر گرفته شده باشد.

ب: زمانیکه قوانین شرعی به افشا نمودن آن صراحت داشته باشد و یا اینکه محکمه به اساس شرع به افشا نمودن آن حکم صادر نموده باشد.

ج: زمانیکه هدف از افشای راز مریض جلو گیری از وقوع جرایم باشد، در این صورت افشا نمودن آن مربوط به کمیته رسمی می شود که جهت رسیدگی به این امور مختص شده اند.

د: زمانیکه افشای راز مریض به منظور دفاع از نفس در مقابل قوه قضایه (در صورتیکه آنرا ایجاب نماید)باشد.

هـ : زمانیکه منظور از افشای راز دفع ضرر از خانم ویا شوهر بوده باشد مشروط بر اینکه در حضور داشت هر دوی آنها آنرا ابلاغ نماید نه در غیاب یکی از آنها .

و: زمانیکه هدف از افشای راز جلوگیری از امراض باشد که ممکن افراد جامعه از آن متضرر شوند. اما افشای آن از طرف تیم صحی که جهت رسیدگی به این امور مختص اند صورت میگیرد.

**ماده سی و یکم**

درصورت خواهش اطفال خورد سن مبنی بر علاج مخفیانه شان (بدون آگاهی اولیای امور شان)، طبیب مکلف است که خود را از علت عدم علاقمندی آنها در سهیم ساختن اولیای امور ایشان آگاه ساخته و مریض را ترغیب نماید که بهتر است خانوده اش از مشکل در جریان باشد . لازم است که طبیب در این قسمت با مریض همکاری نماید تا افکار منفی از وی دور گردد و مریض علاقمند سهیم ساختن اولیای امور خویش در رفع مشکل شود و به رغبت و رضایت خویش حاضر شود که خانواده خود را از مرضش در جریان بگذارد.

**ماده سی و دوم**

طبیب حق دارد که مریضان خورد سال را علاج نماید و حق دارد که از تصریح معلوماتیکه منجر به ضرر مریض میشود خود داری نماید بجز در صورتیکه شرع جواز تصریح نمودن را داده باشد.

**ماده سی و سوم**

طبیب مکلف است که قبل از تقدیم معلومات بجوانب دیگر از قبیل پژوهشگران، کمپنی ها دواسازی ویا مؤسسات جمع آوری معلومات، مریض را آگاهی داده و از وی موافقه شفاف و روشن را به شکل کتبی گرفته باشد.

**ماده سی و چهارم**

مریض حق دارد که در مورد وضعیت صحی خود گزارش مفصل معاینات خود از نزد طبیب اخذ نماید. جواز ندارد که طبیب گزارشی را بنویسد یا گواهی تقدیم نماید که به تخصص او ربطی نداشته باشد. گزارش طبیب باید به اساس یافته های واقعی باشد که در جریان معاینه به آن دست یافته است.

**ماده سی وپنجم**

طبیب می تواند که در مورد وضعیت مریض، تشخیص، علاج وتوقعات خاص از پیشرفت وضعیت مرض همرای وکیل مریض مباحثه نماید مشروط به موافقه او.

**ماده سی و ششم**

طبیب اجازه دارد که از وضعیت خاص مریض برای موسسه که خواهان معلومات است؛ معلومات تقدیم نماید مشروط به موافقه مریض یا کسیکه به شکل شرعی از وی کتبا نیابت می نماید وبر طبیب لازم است که قبل از تقدیم معلومات مریض را از عواقب آن در جریان بگذارد.

**ماده سی و هفتم**

بر طبیب و سایر کار کنان صحی لازم است تا جهت محافظت اسرار معلومات طبی مندرجه دوسیه مریض بشمول معلومات ثبت شده در کامپیوتر ، آخرین سعی وتلاش ممکنه خود را بخرج دهد. حق ثبت تمام گزارشها مربوط است به اشخاص مسلکی که به همین کار مؤظف اند. همه معلومات موجوده و اضافات جدید و هویت کسانیکه آنرا اضافه نموده ، نیز ثبت گردد .

**ماده سی و هشتم**

قبل از درج معلومات در کامپیوتر لازم است مریض و یا نایب وی در مورد اینکه معلومات حاصله درج کمپیوتر می شود و هم در مورد اینکه کدام افراد می توانند از آن اطلاع حاصل نمایند ؛ آگاه ساخته شوند. به هرمقداریکه دست یافتن به معلومات در مورد مریض حساس ومهم باشد به همان اندازه تدابیر احتیاطی خاص جهت عدم دسترسی اخذ میگردد.

**ماده سی و نهم**

زمانیکه معلومات در مورد مریض به خارج از مؤسسه صحی فرستاده می شود ، حتمی است که قبل از فرستادن معلومات موافقه مریض یا نیاب وی و نیز موافقه طبیب معالج اخذ گردد.

**ماده چهلم**

تمام معلومات طبی خاص واسراریکه افراد و یا کمیته ها به شکل پنهانی مطابق شرع، اجازۀ اطلاع حاصل نمودن آنرا حاصل میکنند منحصر به آنها بوده وهیچ کس دیگر حق اطلاع یافتن از آن را ندارد. همچنان ارسال معلومات طبی سری به همان هدفی که فرستاده شده است و به همان چهار چوب زمانی معیین منحصر میشود. ( استفاده از آن در کدام زمان دیگری و یا برای هدف دیگری جواز ندارد)

**ماده چهل و یکم**

لازم است که کامپیوتر با برنامه (backup and retrieval functions) مجهز گردد تا از ضیاع فایل های مندرجه آن زمانیکه بر نامه های کامپیوتر و یا (server) به کدام مشکل مواجه می شود، جلوگیری به عمل آید . هرگاه کدام فایل از آن حذف می شود لازم است که یک نسخه چاپ شدۀ آن بدسترس طبیب معالج قرار داده شود.

**ماده چهل دوم**

زمانیکه طبیب معالج از داشتن فایل معلومات طبی در مورد مریض ( به شکل چاپ شده ، یا درج شده کامپیوتر ویا هم در داخل سی دی )اطمینان داد، جواز دارد که بخش ثبت معلومات کامپیوتری آنرا از کامپیوتر حذف نماید. اما وقتیکه آنرا حذف می نماید لازم است که طبیب را به شکل کتبی خبر دهد. مریض حق دارد که در محدوده مقررات، خواهان حذف برخی از معلومات خود شود.

**مدارک و شواهد اسلامی**

**الف . القرآن الکریم**

1. آیه 58 سوره النساء . قبلاً ذکر شد.
2. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ ﴿ الحجرات 12 ﴾ اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد از بسيارى از گمانها بپرهيزيد كه پاره‏اى از گمانها گناه است و جاسوسى مكنيد و بعضى از شما غيبت بعضى نكند آيا كسى از شما دوست دارد كه گوشت برادر مرده‏اش را بخورد ، پس از آن كراهت داريد و از الله بترسيد یقیناً الله توبه‏ پذير مهربان است .
3. إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آَمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآَخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴿ لنور. آیة 19 ﴾ یقیناً کسانی که دوست دارند زشتیها در (میان) مؤمنان شایع شود ، عذاب دردناکی برای آنها در دنیا و آخرت است، و الله می داند و شما نمی دانید

**ب . احادیث شریف**

1. «الإِمَامُ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ » رواه اللبخاری رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم: امام (آمر) عهده دار و مسؤل زیر دستان خود می باشد.
2. حدیث که بیانگر آن است که مجالس مبتنی بر امانت اند ، قبلاً ذکر شد.
3. 2164 - « لا تُؤْذُوا الْمُسْلِمِينَ وَلاَ تُعَيِّرُوهُمْ وَلاَ تَتَّبِعُوا عَوْرَاتِهِمْ فَإِنَّهُ مَنْ تَتَبَّعَ عَوْرَةَ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ تَتَبَّعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ وَمَنْ تَتَبَّعَ اللَّهُ عَوْرَتَهُ يَفْضَحْهُ وَلَوْ فِى جَوْفِ رَحْلِهِ » رواه الترمذی . حدیث صحیح .رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم: به مسلمانان آزار و اذیت نرسانید، عیب جویی آنهارا نکنید، در جستجوی عورت آنها نباشید، زیرا کسیکه در جستجوی عورت برادر مسلمان خود شود، الله متعال از او انتقام می گیرد تا اینکه او را ولو در داخل خانه اش رسوا می گرداند.
4. « الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لاَ يَظْلِمُهُ وَلاَ يُسْلِمُهُ مَنْ كَانَ فِى حَاجَةِ أَخِيهِ كَانَ اللَّهُ فِى حَاجَتِهِ وَمَنْ فَرَّجَ عَنْ مُسْلِمٍ كُرْبَةً فَرَّجَ اللَّهُ عَنْهُ بِهَا كُرْبَةً مِنْ كُرَبِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَمَنْ سَتَرَ مُسْلِمًا سَتَرَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ». رواه مسلم .رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم: مسلمان برادر مسلمان است نه بر وی ظلم کند و نه او را تسلیم ( دشمن و حوادث) نماید، کسیکه حاجت برادر خودرا رفع کند الله متعال حاجت وی را مرفوع می گرداند؛ کسیکه مشکل برادر خود را حل کند الله متعال مشکل او را در روز قیامت حل می کند، وکیسکه پردۀ مسلمان را نماید الله متعال در روز قیامت پردۀ اورا می نماید.
5. أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ -صلى الله عليه وسلم- قَالَ « أَتَدْرُونَ مَا الْغِيبَةُ ». قَالُوا اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ. قَالَ « ذِكْرُكَ أَخَاكَ بِمَا يَكْرَهُ ». قِيلَ أَفَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ فِى أَخِى مَا أَقُولُ قَالَ « إِنْ كَانَ فِيهِ مَا تَقُولُ فَقَدِ اغْتَبْتَهُ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ فِيهِ فَقَدْ بَهَتَّهُ » رواه مسلم.رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم:آیا می دانید که غیبت چه است؟ گفتند: الله و پیامبرش داناتر است، فرمود: اینکه برادرت را طوری یاد نمائی که از آن خوشش نیاید، گفته شد: ولو اینکه چیزی من می گویم در او باشد (آیا این هم غیبت است) فرمود: چیزی که می گویی اگر در او باشد او را غیبت نموده ای، و اگردر او نباشد بهتان نموده ای. ( به ناحق او را متهم نموده ای)

**ماده چهل سوم**

جهت جلو گیری از وارد شدن سایر افراد و گروهاییکه حق اخذ چنین معلومات را ندارند، لازم است که تدابیر جدی و قاطع اخذ شود .

فصل چهارم

مکلفیت های طبیب در قبال جامعه

**ماده چهل چهار**

طبیب باید یک شخص فعال جامعه باشد ، با جامعه خود سلوک و رفتار نیکو داشته و به وظیفه خود اهمیت خاص دهد. طبیب باید امکانات ونیروی خود را در بخش صحت برای رفاه جامعه خود بکار اندازد. حصول رضای الله سبحانه و تعالی را در عملش هدف گرداند. طبیب باید از همه اخلاق و روش های بد اجتناب ورزد.

**ماده چهل پنجم**

طبیب باید در تقویه و وقایه صحت و حمایت ازیک محیط زیست صحی اجتماعی کمک کند . همچنان طبیب باید در محافظت صحی و پیشرفت های بخش صحت برای جامعه خود مسولانه عرضه خدمات نماید . طبیب باید در ارتقای تعلیمات صحی سهیم باشد و از ملاقاتش با مریض استفاده نموده مریضان را در اجرای اعمال مفید و اجتناب از عادات بد توصیه نماید.

**ماده چهل ششم**

طبیب باید کوشش کند تا از مهارت ها ، معلومات وتجارب خود را برای بهتر نمودن خدمات صحی برای جامعه کار گیرد.

**ماده چهل هفت**

طبیب باید از همه امکانات صحی چه نیرو بشری باشد یا امکانات مادی بشکل مثالی و موثر استفاده کند .

**ماده چهل هشتم**

طبیب بخصوص وقتی که دارای یک مسولیت خاص طبی باشد، باید بشکل خیلی مسلکی و مؤثر در طرح و تقویه لوایح ، پالیسی های صحی و حل مشکلات صحی سهم فعال را ایفا کند.

**ماده چهل نهم**

طبیب باید در در رابطه به امراض که ممکن به سایرین مضر تمام شود، اصول صحی قبول شده را برای جلوگیری از شیوع آن عملی و تعقیب نماید .

**شواهد و مدارک اسلامی**

**القرآن الکریم**

1. إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ﴿ الأنبیاء . آیة 92﴾ (ای پیامبران) یقیناً دین شما یکی (اسلام) است، و من پروردگار شما هستم. پس مرا عبادت كنيد..
2. وَمَن يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَى وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّى وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَسَاءتْ مَصِيرًا ﴿ النساء. آیة 115﴾ و هر كس پس از آنكه راه هدايت براى او آشكار شد با پيامبر به مخالفت برخيزد و [راهى] غير راه مؤمنان در پيش گيرد وى را به آنچه روى خود را به آن سو كرده واگذاريم و به دوزخش كشانيم و چه بازگشتگاه بدى است.

**ب . احادیث شریف**

1. « مَا مِنْ أَمِيرِ عَشَرَةٍ إِلاَّ يُؤْتَى بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَغْلُولاً لاَ يَفُكُّهُ إِلاَّ الْعَدْلُ أَوْ يُوبِقُهُ الْجَوْرُ ». رواه أحمد . حدیث صحیح . رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم که :نیست هیچ کسی که بر ده نفر به حیث امیر(مسؤل) مقرر شود مگر اینکه روز قیامت در حالی آورده می شود که دستهایش بسته می باشد باز نمی کند دستهایش را مگر عدالت او یا این که دستهایش را بسته نگه می دارد ظلم (جور) او.
2. « مَا مِنْ ثَلاَثَةٍ فِى قَرْيَةٍ وَلاَ بَدْوٍ لاَ تُقَامُ فِيهِمُ الصَّلاَةُ إِلاَّ قَدِ اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ. فَعَلَيْكَ بِالْجَمَاعَةِ فَإِنَّمَا يَأْكُلُ الذِّئْبُ الْقَاصِيَةَ ». قَالَ السَّائِبُ يَعْنِى بِالْجَمَاعَةِ الْجَمَاعَةَ فِى الصَّلاَةِ . رواه ابن ماجه .حدیث حسن.رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم: در هر قریه و دشتی که سه نفر باشد ودر بین آنها نماز جماعت ادا نشود، شیطان بر آنها مسلط می شود، همواره با جماعت باش یقیناً گرگ همان گوسفندی را شکار می کند که از رمه گوسفندان دور باشد.

فصل پنجم

مسایل اجتماعی

**استفاده از امکانات صحی**

**ماده پنجاهم**

طبیبان باید مهارت های مسلکی خود را در طرح لوایح و دستورالعمل های خاص بخاطر توزیع منابع محدود طبی استفاده کنند. این روش ها باید بمنظور حمایت مصلحت مریض بوده و عادلانه باشند.

**ماده پنجاه ویکم**

اتخاذ تدابیر و تهیه طرز العمل جهت توزیع منابع محدود طبی باید مطابق عدالت با در نظر داشت معیارها طبی و اخلاقی و مطابق ایجابات حالت صحی مریض باشد. این معیارها شامل موضوعات ذیل باشند : اندازه ضرورت مریض به این موارد ، مدت تداوی ، احتمال وقوع اضرار و در برخی موارد تخمین مقدار ضرورت مواد مذکور برای یک معالجه موثر و موفق.

**ماده پنجاه دوم**

طبیب باید با مریض در رابطه به مصلحت مریض بشکل یک عضو مسؤل فامیل رفتار کند و در رسیده گی به احتیاجات صحی وی صرف مساعی نماید .

**شواهد و مدارک اسلامی**

**قواعد فقهی**

دو قاعده فقهی در مورد ضرر ویک قاعده در مورد مقاصد در کارها که قبلاً ذکر شد .

**ماده پنجاه سوم**

هرگاه عده ای از مریضان از بعضی سهولت های صحی محروم اند ، حق دارند تا سبب آنرا بدانند. پس همه پالیسی ها موسسات صحی که در موارد نادر اتخاذ می گردد، برای همه مردم آشکار و واضح باشد . همچنان این اصول ومقررات صحی قابل دسترسی و تفتیش مراقبت کننده گان باشد .

**ماده پنجاه چهارم**

برای طبیب جایز نیست که مریض را بخاطر نفع مادی خود بدون در نظر داشت حاجت اصلی مریض برای اجراءات تشخیصی یا معالجوی داخل بسترنماید.

**ماده پنجاه پنجم**

طبیبان باید ادویه ، مواد ووسایل طبی را به اساس اصول مسلکی طبی و ضرورت مریض تجویز نمایند. باید درجریان معالجه تحت فشار هیچ کس قرار نگرفته و همچنان از هیچ مرجعی تحفه های مادی را قبول نکنند.

**شواهد و مدارک اسلامی**

**قواعد فقهی**

دو قاعده فقهی در مورد ضرر ویک قاعده در مورد مقاصد در کارها که قبلاً ذکر شد .

**ماده پنجاه ششم**

لازم است هر طبیب روش های را اختیار کند که منتج به تحقق عدالت و فراهم نمودن رعایت صحی برای افرد جامعه باشند .

**ماده پنجاه هفتم**

طبیبان در انتخاب روش های طبی برای وقایه یا معالجه امراض طبق ستندرد های قبول شده طبی باید معیارها اخلاقی ذیل را جداً مراعات کنند :

1. تخمین اندازه فواید ممکنه از پلان تداوی
2. احتمال فواید ممکنه از پلان تداوی
3. مدت استفاده از تداوی
4. قیمت تداوی
5. تعداد مریضان که از تداوی استفاده خواهند کرد

**مریضان ایدز و سایر امراض مشابه**

**ماده پنجاه هشتم**

مریض که مصاب به مرض ایدز یا دیگر امراض مشابه می باشد، حق دارد تا برایش همه امکانات تداوی مرض مراقبت های صحی که حالتش به آن نیاز دارد فراهم شود ، صرف نظر ازین که بکدام سبب مصاب مرض شده اند. همچنان وظیفه و مسؤلیت طبیب معالج است تا تمام تدابیر و روش های محافظتی را برای خود و دیگران در نظر داشته باشند

**ماده پنجاه نهم**

طبیب باید حد اعظمی کوشش کند که حالت صحی مریض ایدز و سایر امراض مشابه بد تر نشده و به کدام مرض دیگری مصاب نشوند .

**ماده شصتم**

طبق اصول قبول شده طبی ، طبیبی که مریض ایدز و یا امراض مشابه را تثبیت نمود و تحت معالجه قرار داد ، باید مرتکب عملی ، روش یا فعالیتی نشود که سبب مریضی دیگران شود.

**ماده شصت یکم**

طبق مقرارت طبی با درنظر داشت فقره -د ماده ۲۸ ، هرگاه یکی از زوجین مصاب به مرض ایدز یا دیگر مرض مشابه باشد، طبیب همسر مریض را مطلع سازد.

**شواهد و مدارک اسلامی**

1. حفظ دین ،نفس، عقل، نسب و مال شامل اهداف شریعت اسلامی.
2. رفع حرج (سختی)و مشقت از مقاصد شریعت است .
3. جلب منافع و دفع ضرر از قواعد فقهی است .

**قتل بخاطر ترحم Euthanasia) (**

**ماده شصت دوم**

در اسلام ، زنده گی انسان از عزت و حرمت خاص برخوردار است. هدر ساختن زنده گی یک انسان جز در حالات خاص که شریعت اجازه داده، جواز ندارد. در هیچ حالت برای طبیب جایز نیست که زنده گی یک مریض را ولو بخاطر شفقت و ترحم پایان بخشد خصوصاً در حالات ذیل :

* قتل عمدی که یک شخص به رضا و اراده خود می خواهد زندگی خود را از دست دهد
* خود کشی به کمک طبیب
* قتل عمدی اطفال نوزاد که معلول خلق می شوند ولو معلولیت برای زندگی شان تهدید باشد یا نه .

**ماده شصت سوم**

حالات ذیل طور مثال در ردیف قتل ترحم محسوب نمی شوند:

* توقف معالجه مریض توسط کمیته خاص متخصصین طبی بشمول شعبة وسایل مصنوعی (Artificial resuscitation ) بدلیل عدم مفیدیت .
* قطع یا توقف نمودن معالجه که غیر مفید ثابت شود

**شواهد و مدارک اسلامی**

1. حفظ دین ،نفس، عقل، نسب و مال شامل اهداف شریعت اسلامی
2. رفع حرج (سختی)و مشقت از مقاصد شریعت است
3. جلب منافع و دفع ضرر از قواعد فقهی است.

**سقط جنین**

**ماده شصت چهارم**

برای طبیب جایز نیست که حمل یک زن را سقط کند مگر در حالات استثنایی که از نظر اصول طبی حیات مادر و طفل در خطر باشد. سقط جنین در حالتی که مدت حمل کمتر از چهار ماه باشد و بشکل واضح و مسلکی ثابت شود که دوام حمل سبب ضرر مهلک برای مادر است جواز دارد. اما برای اثبات این کار کمیته متخصصین نسايي وولادي که کمتر از سه عضو نباشند بايد تشكيل شود و مرض را كه حيات مادر را با خطر مواجه می کند تثبیت نمایند. این متخصیین مسولیت دارد تا راپور مکمل را در رابطه به خطر که مواجه مادر است بشکل مفصل و واضح تذکر دهند .

حتی اگر سقط توصیه هم شود باید برای مریضه و شوهرش یا ولی اش توضیح شود و موافقه تحریری انها به سقط جنین اخذ گردد.

**شواهد و مدارک اسلامی**

1. حفظ دین ،نفس، عقل، نسب و مال شامل اهداف شریعت اسلامی
2. رفع حرج (سختی)و مشقت از مقاصد شریعت است
3. جلب منافع و دفع ضرر از قواعد فقهی است.

**نقل اعضاء بدن ( Organ transplantation )**

**ماده شصت پنجم**

عملیه نقل اعضاء از بدن یک انسان دهنده خوش برضا یکی از مسایل مهم اجتماعی است و درصورت که مطابق دساتیر اسلامی باشد انعکاس دهنده عواطف و ترحم افراد جامعه در برابر یک دیگر می باشد. اصول اخلاقی ذیل باید در چنین حالات مراعات شود :

**ماده شصت هفتم**

برای دکتوران که فوت یک مریض را ااعلان می نمایند ، جایز نیست که مستقیماً از شخص فوت شده ولو احتمال بخشش اعضاء جسمش هم باشد عضوی از اعضای جسمش را بکشند و آن را در جسم انسان دیگر زرع نمایند . و همچنان نباید در زرع این اعضاء اشتراک ورزند.

**ماده شصت هفتم**

طبیب پیش از عملیات بخاطر نقل عضو یک انسان طبق مقررات ( درصورت جواز شرعی) باید شخص اهدا کننده را در رابطه به عواقب وخطرات که در نتیجه نقل عضوش بمیان میایند، آگاه سازد. برای این کار طبیب مسؤل است تا به شکل تحریری موافقه مریض را علی الرغم علمش به همه عواقب اخذ نماید .

**ماده شصت هشتم**

استخراج یک عضو انسان زنده کوچک جواز ندارد به استنثناء انساج که قابل تجدید می باشند بشرطیکه قانون نافذه شرعی به آن صراحت داشته باشد .

**ماده شصت نهم**

استعمال و استخراج اعضاء انسان بخاطر تجارت، موکداً حرام است . حتی این تجارت در اعضاء ، نسج ها ، حجرات و جین ها هم ممنوع است . برای طبیب جایز نیست در اعلان داد و گرفت عضو یا اعضاء اشتراک نماید یا در بین فروشنده و خریدار میانجی شود . طبیب باید به شکل جدی از اشتراک در همچنین معاملات اجتناب کند. همچنان برای طبیبان و متخصصین ، درصورت که بفهمند که عضو مطلوبه مورد تجارت قرارگرفته جایز نیست عضو یا اعضای مذکور را استخراج یا نقل کنند.

**ماده هفتادم**

طبیب حین نقل یک عضو از یک شخص (درصورت جواز شرعی) ، باید تمام وسایل ، لوازم و مراقبت های طبی را استفاده کند که سبب جلوگیری از اضرار جانبی در حین استخراج عضو باشد.

**ماده هفتاد و یکم**

برای طبیب ممنوع است تا خصيه و يا مبیض (تخمدان) را در جسم شخص دیگری زرع کند .

**شواهد و مدارک اسلامی**

1. حفظ دین ،نفس، عقل، نسب و مال شامل اهداف شریعت اسلامی است.
2. رفع حرج (سختی)و مشقت از مقاصد شریعت است .
3. جلب منافع و دفع ضرر از قواعد فقهی است.

**موارد خشونت**

**ماده هفتاد دوم**

در حالات که مریض به خشونت مواجه شده باشد، طبیب باید مراجع مربوط را مطلع سازد، خصوصاً در حالتی که مریض ضعیف باشد ، یازن باشد یا شخصی باشد که به سبب مسن بودن یا مرض جسمی و روانی نمی تواند از خود محافظت کند تا ضرر اضافه تر به شخص متضرر نرسد .

**شواهد و مدارک اسلامی**

1. حفظ دین ،نفس، عقل، نَسَب (نسل)و مال شامل اهداف شریعت اسلامی
2. رفع حَرَج (سختی) و مشقت از مقاصد شریعت است
3. جلب منافع و دفع اضرار از قواعد فقهی است .

فصل ششم

تبلیغات و رسانه ها

**ماده هفتاد سوم**

تبلیغات در رسانه عبارت از این است که طبیب بشکل مستقیم یا غیر مستقیم از وسایل رسانه یی صوتی ، تصویری و نوشتاری ( اخبار، جریده ها ، مجله ها ، رادیو ، تلویزیون ، انترنت وغیره ) بخاطر نشر درمورد خود ، رشته اختصاصی اش و تجربه اش به مردم آگاهی دهد .

**ماده هفتاد چهارم**

طبیب می تواند در تبلیغات خود در رابطه به تصدیق نامه های علمی و تخصصات و مدت تجارب وسابقه کاریی خویش به مردم معلومات دهد.

**ماده هفتاد پنجم**

جایز نیست که طبیب در تبلیغات صحی یا در رسانه ها معلومات گمراه کننده و تحریف شده ارائه نماید و یا آثار جانبی ادویه و یا تداوی را کتمان نماید ویا هم مسایل را که با آداب عامه مخالف باشند به مردم عرضه کند.

**ماده هفتادششم**

برای طبیب جایز نیست که برای خود ویا کلینک تشخیصیه یا ومعالجوی خود مهارت های را ا دعا کند که صلاحیت ویا اجازه آنرا نداشته باشد .

**ماده هفتاد هفتم**

طبیب نباید از عدم آگاهی مریضان سوء استفاده کند و نباید در تبلیغات خود ادعای اجراء آن عملیات های تشخیصی ویا معالجوی را کند که کدام اساس علمی ندارد . طبیب حق ندارد حین تبلیغات خود درمعالجه برخی از امراض تضمینات را به مخاطبین تقدیم نماید.

طبیب فقط میتواند معلومات حقیقی مستند ، بدون مبالغه و عاری از خودنمایی ، خودستایی و تعرض به شخصیت دیگران را به مرد م عرضه نماید .

**ماده هفتاد هشتم**

طبیب میتواند با نام خود در رابطه به تخصصات ، آدرس، و شماره تلفون خود در داخل کشور و یا هم شفاخانه که کار میکند به مردم معلومات بدهد . همچنان طبیبان می تواند هم مسلکان ، کلینک ها و مراجع مربوطه دیگر را از بخش تخصصی خویش و خدمات و فعالیت های خود مطلع نماید.

**ماده هفتاد نهم**

توسعه استفاده از همه انواع رسانه ها در ارائه معلومات و آگاهی صحی ترغیب می شود اما لازم است تا تمام تدابیر احتیاطی اتخاذ گردد تا از سوء استفاده این وسایل برای اشتهار یک طبیب معین بخصوص که منافی اصول فوق الذکر باشد، جلوگیری شود.

**ماده هشتادم**

طبیبان که در کلینک های صحی یا تخصصی کار می کنند ، حین مصاحبه رسانه یی ویا در مقالات مجلات از تبلیغات برای سوق مریضان به کلینک های شان اجتناب ورزند .

**شواهد و مدارک اسلامی**

1. حفظ دین ،نفس، عقل، نسب و مال شامل اهداف شریعت اسلامی

فصل هفتم

مکلفیت های طبیب در محل کار شان

**ماده هشتاد و یکم**

طبیب باید حیثیت و نام کلینک و یا شفاخانه خود را حفظ نماید ودر ارتقاء ظرفیت آن سهم فعال گیرد.

**ماده هشتاد دوهم**

طبیب باید به لوایح ، مقررات و اصول کاری پابند باشد .

**ماده هشتاد سوم**

طبیب باید محافظ تمام وسایل محل کار خود بوده و آنها را به شکل فنی و مناسب بکار ببرد .

**شواهد و مدارک اسلامی**

**الف. القرآن الکریم**

1. آیة 58 سوره النساء. که قبلاً ذکر شد.
2. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُوْلَئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَن لِّمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ﴿ النور. آیة 62﴾ جز اين نيست كه مؤمنان كسانى‏اند كه به الله و پيامبرش گرويده‏اند و هنگامى كه با او بر سر كارى اجتماع كردند تا از وى كسب اجازه نكنند نمى‏روند در حقيقت كسانى كه از تو كسب اجازه مى‏كنند آنانند كه به الله و پيامبرش ايمان دارند پس چون براى برخى از كارهايشان از تو اجازه خواستند به هر كس از آنان كه خواستى اجازه ده و برايشان آمرزش بخواه كه الله آمرزنده مهربان است .
3. وَإِن كُنتُمْ عَلَى سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُواْ كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللّهَ رَبَّهُ وَلاَ تَكْتُمُواْ الشَّهَادَةَ وَمَن يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿ البقرة آیة 283﴾ و اگر در سفر بوديد و نويسنده‏اى نيافتيد وثيقه‏اى بگيريد؛ و اگر برخى از شما برخى ديگر را امين دانست‏، پس آن كس كه امين شمرده شده‏، بايد سپرده وى را باز پس دهد؛ و بايد بايد از اللّه، پروردگارش، بترسد، و شهادت را كتمان مكنيد، و هر كه آن را كتمان كند قلبش گناهكار است‏، و الله به آنچه انجام مى‏دهيد داناست‏.

**ب. احادیث شریف**

1- « أُوصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ وَإِنْ كَانَ عَبْداً حَبَشِيًّا ». رواه ابوداود. حدیث صحیح. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: من شما را به تقوی ، گوش دادن و اطاعت وصیت می نمایم ولو که (آمر تان ) یک غلام حبشی هم باشد

2-« إِنَّ رِجَالاً يَتَخَوَّضُونَ فِى مَالِ اللَّهِ بِغَيْرِ حَقٍّ ، فَلَهُمُ النَّارُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ » رواه البخاری. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم: بدون شک مردانی هستند که به ناحق در مال الله متعال تصرف می نمایند، برای آنها در روز قیامت آتش است.

3-«فَإِنَّ الْغُلُولَ عَارٌ عَلَى أَهْلِهِ یَومَ القِیامَةِ و شَنارٌ و نَارٌ. الحدیث» رواه ابن ماجه . رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود به این مفهوم : خیانت در روز قیامت مایه ننگ ، عیب قبیح و آتش است برای کسانی که چنین کاری را می کنند.

فصل هشتم

رابطه به همکاران

**ماده هشتاد چهارم**

طبیب باید با همکاران خود رابطه نیکو داشته باشد طوریکه رابطه مذکور باید با اساس تشریک مساعی فعال باشد . طبیب باید همکاران خود را در محضر مریضان انتقاد نکند. طبیب باید در تعلیم کسانیکه همراهش در یک گروه کار می کنند یا زیر اشراف و تربیه شان هستند، کوشش نهایی نماید.

طبیب باید با همکاران و محصلان ستاژیر یا شاگردان دوره تخصص با تمام دقت وامانت داری کار کند. نه حقی کسی را بکاهد و نه کسی را بی جا مکافات و توصیف نماید . حین ادای وظیفه، میان شخص وظیفه شناس و شخص مقصر تفاوت قایل شود .

**ماده هشتاد پنجم**

وقتیکه طبیب مداخله یکی از همکاران ویا آمر خود را در یک مسأله خاص طبی موثر تر فکر می کند ویا هم هراس دارد که مداخله یا عمل خودش شاید به ضرر مریض تمام شود، باید مسأله را به شکل شفاهی با همکاران و آمرین خود شریک نموده نظر آنها را حاصل نماید. در حالت عدم موافقه اش با نظر آنها مسأله را باید کتباً به یک مرجع اختصاصی تر راجع سازد و نظر نهایی و مناسب آن را بدست آرد.

**ماده هشتاد ششم**

برای یک طبیب مناسب نیست تا در معالجه همکار خود خواهش اجوره یا معاوضه شود.

**ماده هشتاد هفتم**

برای طبیب جایز نیست بشکل غیر اخلاقی وغیر اصولی مزاحم همکارانش شود.

**ماده هشتاد هشتم**

طبیب باید هر اختلاف با همکارانش را به شکل دوستانه و صمیمانه حل نماید . هرگاه باز هم اختلاف شان حل نشد موضوع را به مراجع مربوطه برای حل وفصل راجع سازد.

**ماده هشتاد نهم**

اگر یک طبیب عوض همکارش به شکل موقت در یک بخش کار میکند باید ازین وضعیت به نفع شخصی خود سوء استفاده نکند. همچنان برای مریض هم واضح سازد که موقتاً عوض طبیب معالجش برایش ایفاء خدمت می کند.

**ماده نودم**

هرگاه طبیب برای معالجه مریض خواسته شود که تحت تداوی طبیبی دیگری قرار داشته و در حال حاضر خواستن آن طبیب ممکن نباشد ، باید هرزمانی که طبیب اولی باز می گردد ، معالجه مریض را به وی محول کند و وی را از اجراءات که کرده است در جریان بگذارد . اما هرگاه خود مریض یا فامیلش خواهان ادامه تداوی توسط طبیب دوم باشد ، پس درآن صورت جواز دارد تا طبیب دومی معالجه را ادامه دهد.

**ماده نود و یکم**

برای طبیب جایز نیست که از اجوره یا فیس همکارانش سهم مطالبه کند مگر در حالتیکه در معاینه و یا معالجه بالفعل اشتراک کرده باشد.

**ماده نود دوم**

طبیب باید با پرسونل غیر طبی محل کارش رویه نیکو داشته باشد و سهم آنها را در معالجه ومراقبت مریض تقدیر کند . طبیب باید پرسونل غیر طبی را در حضور مریضان انتقاد نکند. طبیب باید رابطه خود را با آنها به اساس احترام متقابل و تشریک مساعی مؤثر بسازد. طبیب در تربیه و تدریس و التزام شان به اخلاق طبی کوشش نماید .

**شواهد و مدارک اسلامی**

**الف . القرآن الکریم**

1. مُّحَمَّدٌ رَّسُولُ ٱللَّهِ ۚ وَٱلَّذِينَ مَعَهُۥٓ أَشِدَّآءُ عَلَى ٱلْكُفَّارِ رُحَمَآءُ بَيْنَهُمْ ۖ تَرَىٰهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ ٱللَّهِ وَرِضْوَٰنًا ۖ ﴿ الفتح .آیة 29 الآیة﴾ محمد [صلی الله علیه وسلم] پيامبر الله است و كسانى كه با او هستند بر كافران سختگير [و] با همديگر مهربانند آنان را در ركوع و سجود مى‏بينى فضل و خشنودى الله را خواستارند .الآیة
2. وَتَعَاوَنُواْ عَلَى الْبرِّ وَالتَّقْوَى وَلاَ تَعَاوَنُواْ عَلَى الإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُواْ اللّهَ إِنَّ اللّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿المائده . آیة2 . الآیة﴾ و در نيكوكارى و پرهيزگارى با يكديگر همكارى كنيد و در گناه و تعدى دستيار هم نشويد و از الله (از مخالفت با امر الله) بترسید كه الله به سختی ‏عقوبت می کند.
3. إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَى أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّى يَسْتَأْذِنُوهُ ﴿نور. آیة 62 الآیة﴾ جز اين نيست كه مؤمنان كسانى‏اند كه به الله و پيامبرش گرويده‏اند و هنگامى كه با او بر سر كارى اجتماع كردند تا از وى كسب اجازه نكنند نمى‏روند.
4. وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ ﴿الشورا . آیة 38﴾ و كسانى كه [نداى] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا كرده‏اند و كارشان در ميان شان مشورت است و از آنچه روزيشان داده‏ايم انفاق مى‏كنند .

**ب احادیث شریف**

1. « أُوصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالسَّمْعِ وَالطَّاعَةِ وَإِنْ كَانَ عَبْداً حَبَشِيًّا ». رواه ابوداود. حدیث صحیح . رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است: من شما را به تقوی ، گوش دادن و اطاعت وصیت می نمایم ولو که (آمر تان ) یک غلام حبشی هم باشد
2. « فَإِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ بَيْنَكُمْ حَرَامٌ » رواه البخاری . رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمود:پس خونها، مالها، آبرو و عزت تان بر یکدیگر تان حرام است

**ماده نود سوم**

طبیب در تعاملش با سایر پرسونل صحی ( که بشکل معاونین در خدمات صحی سهیم اند) متوجه نقاط ذیل باشد:

* با آنها احترام داشته باشد و ملاحظات مسلکی خود را بوجه احسن ابراز نماید.
* دساتیر مسلکی خود را بشکل کتبی و واضح نوشته و تاکید کند تا حین ضرورت و لزوم دید، از آن استفاده شود .
* در رابطه به دساتیرش ، ملاحظات و انتقادات همکاران مسلکی خود رابشکل علمی و بدون خودنمایی در نظر گیرد.
* باید در پیشرفت و ارتقاء دانش و مهارت های آنها کمک نموده و سهم فعال داشته باشد

فصل نهم

حقوق طبیب

**ماده نود چهارم**

حق یک طبیب است که جامعه برایش امکانات لازم تعلیمی و انتظامی را طوری فراهم نماید که جهت نیل به کیفیت و کارآیی بهتر مطابق معیار های شناخته شده بین المللی کمک نماید.

**ماده نود پنجم**

طبیب حق دارد تا برایش فرصت های ارتقاء و آموزش متداوم فراهم شود. این فرصت ها از طریق کانفرانس ها ، سیمنیارها ، اجتماعات علمی ، کتابخانه ها ، بورس های علمی، کورس ها و سایر وسایل ممکنه پیرامون دانش و تجربه مسلکی صورت می گیرد.

طبیب باید پرتلاش باشد تا آخرین و جدید ترین تجارب طبی را در بخش تخصص خود بدست آورده و درین راستا سهل انگاری نکند .

**ماده نودششم**

از حق طبیب است که باید تقدیر و احترام شود. طبیب درمسلک خود حق کار وخدمت دارد. طبیب درصورت ارتکاب جرم یا اتهام حین تحقیق و در محکمه باید احترام شود و حق دارد از همه حمایت های مشروع دردفاع از شخصیت خود استفاده کند.

**ماده نود هفتم**

طبیب صرف مسؤلیت تقدیم مراقبت های صحی مورد نیاز به مریض را دارا بوده وهیچ گاه مسولیت تحقق شفاء یابی مریض را ندارد.

**ماده نود هشتم**

در صورت که طبیب مریض را در مقابل اجوره تداوی می کند، جواز دارد هر دو طرف موافقه کنند که طبیب وقتی مستحق اجوره می باشد که مریض شفاء یابد .

**ماده نود نهم**

جایز نیست که یک طبیب بشکل مادی یا معنوی به اجراء و یا امتناع از یک عمل که مربوط مسلک وکارش باشد مجبور کرده شود، مگر در مواردیکه در قانون شرعی تذکر یافته باشد. همچنان هیچکس حق ندارد طبیب را وا دارد تا به چیزی گواهی دهد که ضمیر و یا وجدانش به آن مخالف باشد .

**ماده صدم**

طبیب حق دارد که مریض را بخاطر تشخیص یا علاج به طبیب ویا کلینک دیگر طبق لوایح صحی محول کند ولی نقاط ذیل درنظر باشد:

* طبیب که مریض برایش راجع می شود دارای مهارت تخصصی باشد که برای مریض مفید باشد.
* باید همه معلومات که طبیب اولی در رابطه با مریض ، مرضش و تداوم علاجش لازم می بیند به طبیب جدید به شکل شفاهی یا کتبی معلومات دهد .
* راجع نمودن مریض به طبیب دیگر از سبب ضعیف بودن امکان علاجش و یا بخاطر منافع مادی نباشد .

**ماده یک صدویکم**

طبیب حق دارد که افراد و مقامات صحی در تنفیذ سفارشات علمی اش باوی کمک نماید ودر صورت امکان در موارد مربوطه از وی توضیحات خواسته شود . افراد و مقامات صحی مکلف اند از ساحه تخصصی و مسلکی شان از حد تجاوز نکنند.

**شواهد و مدارک اسلامی**

**الف . القرآن الکریم**

1. وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ وَاللّهُ عَزِيزٌ حَكُيمٌ ﴿ البقرة. آیة 228 الآیة ﴾ . وبرای زنان حقوق شایسته ای است همانند (حقوق و وظایفی) که بر عهده آنها است و مردان را بر آنان برتری است و الله توانمند حکیم است .
2. لَقَدْ جَاءكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُم بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَّحِيمٌ ﴿ التوبة . آیة 128﴾ قطعاً براى شما پيامبرى از خودتان آمد كه بر او دشوار است‏شما در رنج بيفتيد، به [هدايت] شما حريص، نسبت به مؤمنان دلسوز مهربان است .
3. آیَة 12 سورة الحجرات . قبلاً ذکر شد.

**ب . احادیث شریف**

1. « لَيْسَ مِنْ أُمَّتِى مَنْ لَمْ يُجِلَّ كَبِيرَنَا وَيَرْحَمْ صَغِيرَنَا وَيَعْرَفْ لِعَالِمِنَا ». رواه احمد . حدیث صحیح. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم:از امت من نیست کسیکه بزرگان مارا احترام ننماید،و برکودکان ما شفقت ننماید، ودانشمندان مارا تکریم و قدر ننماید.

**ماده یکصد دوم**

طبیب باید کرامت و عزت مسلک خود را حفظ نماید و معیارهای عملی طبی را در نظر داشته باشد. طبیب باید به شکل فعال در ارتقاء دانش و مهارت خود از طریق مطالعات تحقیقی، مقالات علمی و تعلیمات متداوم طبی سهم گیرد.

**ماده یکصد سوم**

طبیب در تعاملش با مریض باید از اعمال ذیل خودداری نماید :

* از همه روش ها و اعمال خودداری کند که امانت و پاکی او را تحت سوال می آورد
* از همه روش ها و اعمالی خودداری کند که مسلکش را بدنام میکند
* از فریب و تقلب و سلب اعتماد مریض خود داری نماید
* از ایجاد رابطه غیر اخلاقی با مریض و یا یکی از اعضاء فامیلش خودداری کند
* از کسب منافع مادی بشکل غیرمشروع اجتناب ورزد
* از شهرت طلبی که مخالف مقررات و اصول باشد اجتناب ورزد.

**ماده یکصد چهارم**

طبیب باید در ادای شهادت مربوط به کارش تعلل نکند و همه گزارشات طبی را به دقت و امانت داری کامل تحریر وتصدیق نماید .

**ماده یکصدپنجم**

طبیب که خودش به امراضی مصاب باشد که ممکن سایرین را به خطر مواجه نماید ، باید از هر عمل و حرکتی اجتناب کند که سبب تهدید صحت همکارانش یا سایر اشخاص می شود . در این حالت مقامات مربوط را اطلاع دهد تا در مورد اجراءات مقتضی نماید .

**ماده یکصد ششم**

هرگاه طبیب بخواهد مریض را به طبیب عنعنوی یا کارکن بخش طب متممه معرفی می نماید، صرف زمانی ارجاع نماید که وی جوازکار در بخش مربوطه را دارا باشد .

طبیب باید در جریان کار ، منحیث یک مثال در حفظ صحت خویش کوشا باشد. طبیب باید در جریان امور یومیه خویش تمام تدابیر را غرض محافظه خویش از اضرار صحی اتخاذ نماید

**شواهد و مدارک اسلامی**

**الف. القرآن الکریم**

چهار:

1. اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ . خَلَقَ الْإِنسَانَ مِنْ عَلَقٍ . اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ .الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ . عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿ العلق. آیات 1- 5 ﴾ (ای پیامبر ) بخوان بنام پروردگارت که (هستی را ) آفرید . انسان را از علق (خون بسته) آفريد. بخوان و پروردگار تو (از همه ) بزرگوار تر است. همان كس كه به وسيله قلم آموزش داد. به انسان آنچه را كه نمى‏دانست آموزش داد.
2. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ فَافْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ وَإِذَا قِيلَ انشُزُوا فَانشُزُوا يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ﴿ المجادلة آیة11﴾ اى كسانى كه ايمان آورده‏ايد چون به شما گفته شود در مجالس جاى باز كنيد پس جاى باز كنيد تا الله براى شما گشايش حاصل كند و چون گفته شود برخيزيد پس برخيزيد بلند كند الله مرتبه هاى براى آنان كه ايمان آورده اند از شما و آنان كه عطا كرده شده است ايشان را علم الله به آنچه مى كنيد خبردار است .
3. نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مِّن نَّشَاء وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ﴿ یوسف . آیة 76. الآیة﴾] درجات كسانى را كه بخواهيم بالا مى‏بريم و فوق هر صاحب دانشى دانشورى است
4. آیة 58 سورة النساء . قبلاً ذکر شد.
5. وَلاَ تَكْتُمُواْ الشَّهَادَةَ وَمَن يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ﴿ البقرة . آیة 283. الآیة﴾ و شهادت را كتمان مكنيد، و هر كه آن را كتمان كند قلبش گناهكار است‏، و الله به آنچه انجام مى‏دهيد داناست‏.

**ب. احادیث شریف**

1- « طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ ». رواه ابن ماجه . حدیث صحیح . رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده است به این مفهوم: طلب علم بر هر مسلمان فرض است.

**ماده یکصدو هفتم**

بر طبیب لازم است تا از اعمال ذیل خود داری نماید :

* استعمال وسایل و واسطه های غیر مشروع (با یا بدون پرداخت مزد ) برای جلب مریضان
* استفاده از اسم اش جهت تبلیغات فروش ادویه و سایر مواد طبی غرض تجارت
* قبول و یا مطالبه فیس یا مکافات در مقابل تجویز کدام دوا یا سامان خاص طبی ، ارجاع مریضان به یک موسسه خاص ( اعم از تداوی، مراقبت های نرسنگ، دواخانه ، لابراتوار طبی و یا محل فروش سامان و لوازم طبی) و یا اشتغال بصفت نماینده جلب مریض برای کدام طبیب دیگر و یا موسسه خاص طبی .
* مشوره دادن به مؤسسات که چنین مشوره ها را از طریق سیستم مخابراتی پخش می نمایند
* فروش ادویه ، سامان و آلات طبی غرض تجارت در کلینک اش حین اجرای وظیفه .

**ماده یکصدهشتم**

طبیب می تواند در صورت مطابقت با مقررات در تداوی از راه دور یا تلی میدیسین سهم بگیرد.